

Conversation – گفتگو

**Sara has been in the Children's Medical Center for a week.**

سا را برای یک هفته در مرکز پزشکی کودکان بوده است

**She has caught a terrible flu.**

او یک آنفولانزای بسیار بد گرفته بود.

**The doctor told her to stay there to get better.**

دکتر بخش گفت آنجا باید بماند تا بهتر شود.

**There is a photograph of an old man on the wall.**

یک عکس از یک مرد پیر روی دیوار بود

**While the nurse is taking her temperature, they start talking.**

وقتی که پرستار داشت دمای بدن او را اندازه گیری میکرد آن ها شروع به صحبت کردند.

**Sara: Excuse me, who is that man in the picture?**

معنی: ببخشید اون مرد توی عکس کیست؟

**Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr.Mohammad Gharib?**

معنی: او را نمیشناسی؟ آیا تابحال چیزی درمورد دکتر محمد غریب شنیده ای؟

**Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.**

معنی: فکر میکنم فقط اسمش را در کتاب انگلیسی دیده ام ، اما مطمئن نیستم

**Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.**

معنی: دکتر غریب پزشک مشهوری بود

**Sara: Oh, ... can you tell me a little about his life?**

معنی: !..... میتونی چیزی درمورد زندگی اش بگویی؟

**Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.**

معنی: دکتر غریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد. بعد از گرفتن دیپلم به خارج رفت تا پزشکی بخواند و در سال ۱۳۱۶ پزشک شد و به زادگاهش بازگشت. این مرکز در سال ۱۳۴۷ توسط دکتر غریب و یکی از دوستان نزدیکش تأسیس شد.

**Sara: Really? I didn't know that.**

معنی: واقعاً؟ من این را نمی دانستم

Nurse: **Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.**

معنی: دکتر قریب یک مرد بخشنده هم بود. او از هیچ تلاشی برای درمان کودکان مریض مضایقه نمی کرد. او در مورد خانواده های فقیر خیلی خوش برخورد و مفید بود. جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک فداکار در نظر گرفته می شد.

Sara: **It's a pity! I didn't know such a great man.**

معنی: حیف! من همچین مرد بزرگی رو نمی شناختم.

Nurse: **He was known as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on children's diseases was written by him. He taught medicine to thousands of students.**

معنی: او همچنین به عنوان استاد برجسته دانشگاه شناخته می شد. اولین کتاب فارسی در مورد بیماریهای کودکان توسط وی نوشته شد. او به هزاران دانشجو پزشکی آموزش داد.

Sara: **Oh, what a great man he was!**

معنی: او! عجب مرد بزرگی بود.

Nurse: **By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!**

معنی: راستی، ممکنه جالب باشه که بدونی دکتريت يکي از شاگردان دکتر قریب هست.

Sara: **Really?! That's interesting!**

معنی: واقعاً؟ خیلی جالب است!

جواب پايين صفحه ۲۰ زبان انگلیسی دوازدهم

Questions – سوالات

**Answer the following questions orally.**

به سوالات زیر پاسخ شفاهی دهید

**1. When was Dr. Gharib born?**

he was born in 1288

**2. Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician?**

because he spare no pains to care sick children

### 3. Have you seen Dr. Gharib TV series?

yes I have

ترجمه صفحه ۲۱ و ۲۲ زبان انگلیسی دوازدهم

New Words & Expressions – کلمات و عبارات جدید

#### A. Look, Read and Practice.

**Hamid sits on the sofa and watches TV all the time.**

حمید همه‌ی مواقع روی کاناپه مینشیند و تلویزیون تماشا میکند

**My grandfather feeds the pigeons in the park every morning.**

پدربزرگ من هر روز صبح در پارک به کبوترها غذا میدهد

**Dad really shouted at me when I didn't do my homework.**

وقتی من تکلیفم را انجام ندادم پدرم واقعاً سرم داد زد

**We have to speak louder, because my grandmother is hard of hearing.**

ما باید بلند تر صحبت کنیم چون مادربزرگم مشکل شنوایی دارد

**Ferdowsi was born in a village near Toos.**

فردوسی در روستایی نزدیک توس به دنیا آمد.

**My uncle went to his son and hugged him.**

عموی من به سمت پسرش رفت و او را در آغوش گرفت.

**My little sister sits on my mother's lap all the time..**

خواهر کوچکم همیشه روی دامن مادرم می نشیند.

ترجمه صفحه ۲۳ زبان انگلیسی دوازدهم

#### B. Read and Practice.

بخوانید و تمرین کنید.

**burst into tears: to cry suddenly**

به گریه افتادن: ناگهان گریه کردن.

**Aida burst into tears when she saw her score.**

آیدا ناگهان به گریه افتاد وقتی نمره اش را دید

**repeatedly: many times**

پیوسته: به دفعات زیاد

**I've told Mohsen repeatedly to talk politely to his teachers.**

من بارها به محسن گفتم با معلم هایش مودبانه صحبت کند

**forgive: to stop being angry with someone**

بخشیدن: دست از عصبانی بودن از کسی برداشتن.

**Mom forgave me for breaking the vase.**

مادر من را به خاطر شکستن گلدان بخشید.

**calmly: in a quiet way**

به آرامی: به روش آهسته.

**He always speaks slowly and calmly.**

او همیشه به آهستگی و به آرامی صحبت می کند

**diary: a book in which you record your thoughts or feelings or what has happened every day.**

دفترچه خاطرات: دفترچه‌ای که شما هر روز افکار یا احساسات و یا آنچه که اتفاق افتاده است را ثبت می کنید.

**I have kept a diary for twelve years.**

من یک دفتر خاطرات را ۱۲ سال هست که نگه داشتم

**C. Go to Part 'Vocabulary' of your Workbook and do B and C.**

معنی: به قسمت "واژگان" کتاب کار خود بروید و B و C را انجام دهید.

ترجمه ریدینگ صفحه ۲۴ زبان انگلیسی دوازدهم

– Reading خواندن

**Respect your Parents**

به والدین خود احترام بگذارید

**On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house.**

معنی: در یک روز بهاری، پیرزنی روی کاناپه خانه اش نشسته بود.

**Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.**

معنی: پسر جوانش روزنامه می خواند. ناگهان کبوتری روی پنجره نشست.

**The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon".**

معنی: مادر به آرامی از پسرش پرسید "این چیست؟". پسر جواب داد: "این یک کبوتر است"

**After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?"**

معنی: بعد از چند دقیقه، مادر برای دومین بار از پسرش پرسید: "این چیست؟".

**The son said, "Mom, I have just told you, "It is a pigeon, a pigeon".**

**معنی:** پسر گفت: "مامان، همین الان بهت گفتم،" این یک کبوتره، کبوتر.

**After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother,**

**معنی:** بعد از مدتی، مادر پیر برای سومین بار از پسرش پرسید: "این چیست؟" این دفعه پسر سر مادرش داد کشید،

**"Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"**

**معنی:** چرا یک سوال مشابه را دوباره و دوباره می‌پرسی؟ گوشت سنگین است؟

**A little later, the mother went to her room and came back with an old diary.**

**معنی:** چند لحظه بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات کهنه بازگشت.

**She said, "My dear son, I bought this diary when you were born".**

**معنی:** او گفت: "پسر عزیزم، من این دفترچه خاطرات رو وقتی به دنیا اومدی خریدم."

**Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page.**

**معنی:** سپس، او صفحه‌ای از آن دفترچه را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن صفحه را بخواند.

**The son looked at the page, paused and started reading it aloud:**

**معنی:** پسر به صفحه نگاه کرد، مکث کرد و شروع به خواندن با صدای بلند کرد:

**Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window.**

**معنی:** امروز پسر کوچک من روی پایم من نشسته بود، وقتی که یک کبوتر روی پنجره نشست،

**My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon.**

**معنی:** پسر 15 بار از من سؤال کرد که این چیست، و من همه 15 بار به او پاسخ دادم که این یک کبوتر است.

**I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again.**

**معنی:** هر بار که او دوباره و دوباره همان سؤال را از من پرسید، با محبت او را بغل کردم.

**I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.**

**معنی:** من اصلاً حس عصبانی بودن نداشتم. در واقع برای کودک عزیزم احساس خوشبختی می‌کردم.

**Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, “Mom, mom, forgive me; please forgive me.”**

**معنی:** ناگهان پسر به گریه افتاد، مادر پیرش را بغل کرد و با تکرار گفت، مامان، مامان، منو ببخش، لطفا منو ببخش.

**The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, “We must care for those who once cared for us.**

**معنی:** پیرزن پسرش را بغل کرد و او را بوسید و با آرامی گفت، “ما باید از کسانی که یک زمانی از ما مراقبت کردند، مراقبت کنیم.

**We all know how parents cared for their children for every little thing.**

**معنی:** همه ما می دانیم که چطور پدر و مادرها از فرزندان خود برای هر چیز کوچکی مراقبت کردند.

**Children must love them, respect them, and care for them”.**

**معنی:** فرزندان باید عاشق آنها باشند، به آنها احترام بگذارند و از آنها مراقبت کنند.

**جواب صفحه ۲۶ زبان انگلیسی دوازدهم**

– Reading Comprehension درک مطلب

**A. Read the passage. Generate at least five questions with the question starters and then answer them.**

متن را بخوانید حداقل پنج سوال با کلمات سوالی بسازید و سپس آن ها پاسخ دهید

**1-Who was sitting on a sofa in her house ?**

چه کسی روی کاناپه در خانهاش نشسته بود؟

**An old woman was sitting on a sofa in her house**

یک زن مسن روی کاناپه در خانهاش نشسته بود.

**2-What sat on the window?**

چه چیزی روی پنجره نشست؟

**A pigeon sat on the window.**

یک کبوتر روی پنجره نشست

**3-Where did the mother go?**

مادر کجا رفت؟

**She went to her room.**

او به اتاقش رفت

**4-Who burst into tears?**

چه کسی به گریه افتاد؟

**Herson burst into tears.**

پسرش به گریه افتاد

**5-What was her young son doing?**

پسرش چه کاری انجام می داد؟

**He was reading a newspaper.**

او روزنامه میخواند.

**B. Skim the 'Reading'. Write its main idea.**

متن را به طور سطحی بخوانید و ایده اصلی آن را بنویسید.

**Children must love their parents, respect them, and care for them.**

**معنی:** کودکان باید والدینشان را دوست داشته باشند، احترام بگذارند و مراقب آنها باشند.

**C. Read the 'Reading'. Find what these words refer to.**

متن را بخوانید. پیدا کنید که واژه های زیر به چه چیزی اشاره میکند.

her (paragraph 1, line 2) ....the old woman...

his (paragraph 2, line 5) ....the son....

you (paragraph 3, line 2) ...son...

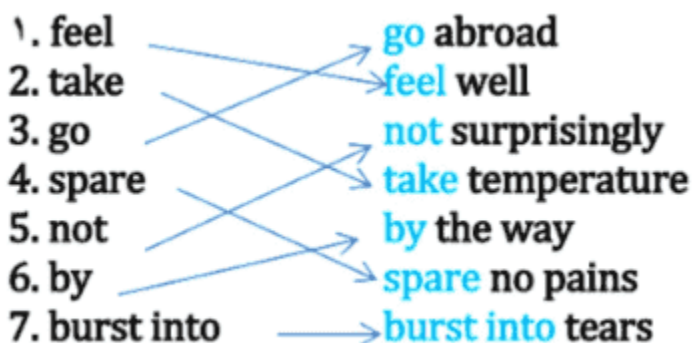
me (paragraph 4, line 5) ..the old woman....

them (paragraph 5, line 6) ...parents....

جواب صفحه ۲۸ زبان انگلیسی دوازدهم

**A. Without looking back at the Conversation, make collocations by matching the words on the left with the ones on the right column.**

بدون نگاه کردن به مکالمه، با وصل کردن کلمات سمت چپ و ستون سمت راست همآیی (بین کلمات) ایجاد کنید.



go abroad – رفتن به خارج از کشور

1. feel

2. take	– feel well حساس خوب داشتن
3. go	– not surprisingly جای تعجب نیست
4. spare	– take temperature اندازه گیری دما
5. not	– by the way راستی
6. by	– no pains از هیچ تلاشی دریغ نکردن
7. burst into	– burst into tears ناگهان زیر گریه زدن

**B. With a classmate, check the answers by looking for the collocations in the Conversation. Use each collocation in a new sentence.**

در تمرین دوم به کمک همکلاسی خود نیاز دارید. باید پاسخ‌های یکدیگر را چک کرده و با این ترکیبات جملات جدیدی بسازید.

**1- I left because I didn't feel well.**

من رفتم چون حالم خوب نبود.

**2- We take temperature readings every two hours.**

ما هر دو ساعت یک بار دما را اندازه گیری می کنیم.

**3- I would love to go abroad this year, perhaps to the South of France.**

من خیلی دوست دارم امسال به خارج از کشور بروم، شاید به جنوب فرانسه.

**4- We will spare no pains to support you.**

ما برای حمایت از تو، هیچ تلاش و کمکی را دریغ نمی کنیم.

**5- Not surprisingly on such a hot afternoon, the river was very busy.**

جای تعجب نیست که در چنین بعد از ظهر گرمی، رودخانه بسیار شلوغ بود.

**6- By the way, have you seen my keys anywhere?**

راستی، کلیدهای من رو جایی دیدی؟

**7- She burst into tears, releasing all her pent-up emotions.**

او به گریه افتاد و تمام احساسات فروخورده خود را رها کرد.

گرامر صفحه ۲۹ زبان انگلیسی دوازدهم



**A. Read the following texts.**

متن زیر را بخوانید.



Hafez is known to be as one of the most famous Persian poets of all time. He was born sometime between the years 1310 and 1337 A.D<sup>1</sup>, in Shiraz. In his childhood, he received religious education. He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart. Hafez is mostly remembered for a special type of poetry that is called Ghazal. Emotions and ethics are used in Ghazals a lot. The collection of his poems is called Divan. It has been translated into countless languages including German, English and French. Hafez is known to be the inspiration for many poets and authors around the world.

**Hafez is known to be as one of the most famous Persian poets of all time.**

**معنی:** حافظ به عنوان یکی از معروفترین شاعران فارسی در همه زمانها شناخته شده است.

**He was born sometime between the years 1310 and 1337 A.D<sup>1</sup>. in Shiraz.**

**معنی:** او زمانی بین 1310 و 1337 بعد از میلاد مسیح در شیراز به دنیا آمد.

**In his childhood, he received religious education.**

**معنی:** در کودکیاش، او تعلیمات مذهبی دید.

**He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart.**

**معنی:** به خاطر اینکه او قرآن را از حفظ بود حافظ نامیده میشود.

**Hafez is mostly remembered for a special type of poetry that is called Ghazal.**

**معنی:** از حافظ بیشتر به خاطر یک نوع شعر که غزل نام دارد، یاد میشود.

**Emotions and ethics are used in Ghazals a lot.**

**معنی:** احساسات و اخلاقیات در غزل زیاد استفاده میشود.

**The collection of his poems is called Divan.**

**معنی:** مجموعه اشعار او دیوان نام دارد.

**It has been translated into countless languages including German, English and French.**

**معنی:** آن به زبانهای بیشماری از قبیل آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است.

**Hafez is known to be the inspiration for many poets and authors around the world.**

**معنی:** حافظ به عنوان الهام بخش خیلی از شاعران و نویسندگان در سراسر جهان شناخته میشود.

**B. Read the following example sentences.**

جمله های مثالی زیر را بخوانید.

Passive – مجهول	Active – معلوم
<b>Pancakes are made every morning.</b> پنکیکها هر روز صبح درست میشوند.	<b>She makes pancakes every morning.</b> او هر روز صبح پنکیک درست میکند.
<b>The window was broken yesterday.</b> پنجره دیروز شکسته شد.	<b>Ali broke the window yesterday.</b> علی دیروز پنجره را شکست.
<b>The cars have been fixed.</b> ماشین ها تعمیر شده اند.	<b>They have fixed the cars.</b> آنها ماشینها را تعمیر کرده اند.
<b>Penicillin was discovered by Alexander Fleming.</b> پنیسلین توسط الکساندر فلمینگ کشف شد.	<b>Alexander Fleming discovered penicillin.</b> الکساندر فلمینگ پنیسلین را کشف کرد.
<b>Solutions to problems are found by scientists.</b> راه حل هایی برای مشکلات توسط دانشمندان یافت شده اند.	<b>Scientists find solutions to problems.</b> دانشمندان برای مشکلات راهحلهایی پیدا میکنند.
<b>A new medicine has been made by doctors to cure cancer.</b> دارویی جدید برای درمان سرطان توسط دکترها ساخته شده است.	<b>Doctors have made a new medicine to cure cancer.</b> دکترها برای درمان سرطان داروی جدیدی ساخته اند.

**1. Anno Domini: Used after a date to show that it is after the birth of Christ.**

بعد از تاریخ استفاده میشود تا نشان دهد که بعد از میلاد مسیح رخ داده است.

### گرامر صفحه ۳۰ زبان انگلیسی دوازدهم

#### C. Tell your teacher how 'passive voice' is made.

به معلم خود بگویید که ساختار مجهول چگونه درست میشود.

#### ● در زبان انگلیسی، ساختار مجهول به صورت زیر ساخته میشود:

۱- فعل "to be" به عنوان فعل کمکی استفاده میشود.

۲- مفعول جمله به نهاد تبدیل میشود.

۳- فعل اصلی به صورت "اسم مفعول" استفاده میشود.

برای مثال، جمله "The man drives the car." در حالت مجهول به صورت زیر میشود:

"The man drives the car." ⇒ The car is driven by the man.

در این جمله، فعل "to drive" به صورت "اسم مفعول (driven)" استفاده شده است و مفعول "the car" به نهاد تبدیل شده است.

#### ● افعال مجهول در زبان انگلیسی معمولاً برای موارد زیر استفاده میشوند:

- زمانی که فاعل جمله ناشناخته یا بی اهمیت است.

- زمانی که می‌خواهیم بر روی عمل انجام‌شده تأکید کنیم.

- زمانی که می‌خواهیم جمله را رسمی‌تر یا مودبانه‌تر کنیم.

#### D. Read the Conversation and underline all 'passive voices'.

مکالمه را بخوانید و زیر ساختارهای مجهول خط بکشید.

**Sara:** Excuse me, who is that man in the picture?  
**Nurse:** Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?  
**Sara:** I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.  
**Nurse:** Dr. Gharib was a famous physician.  
**Sara:** Oh,... can you tell me a little about his life?  
**Nurse:** Dr. Gharib **was born** in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center **was founded** by Dr. Gharib and one of his close friends.  
**Sara:** Really? I didn't know that.  
**Nurse:** Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains

صفحه ۲۰

to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he **was regarded** as a dedicated physician.

**Sara:** It's a pity! I didn't know such a great man.

**Nurse:** He **was known** as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on children's diseases **was written** by him. He taught medicine to thousands of students.

**Sara:** Oh, what a great man he was!

**Nurse:** By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

**Sara:** Really?! That's interesting!

E. Read the following paragraph and choose the best verb forms.

پارا گراف زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

Many products (are developed/developed) each year. Light bulb, camera, airplane, and telephone (were invented/invented) by scientists and inventors. Laptops, smart phones, and tablets (were made/made) by lots of work. But not all products (are developed/developed) by hard work. Some inventions (were created/ are created) by accident or scientists' mistakes. Penicillin, for instance, (was discovered/were discovered) quite accidentally when Alexander Fleming (was working/ was worked) on bacteria. Microwave oven also (was invented/invented) during a scientist's experiment on energy. More interestingly, some tools and technologies (are not made/do not make) by scientists at all. Some like dishwashers and computer games (were made/made) by ordinary people like workers, housewives and school students. hamyar.in

**Many products (are developed/developed) each year.**

محصولات زیادی هر ساله (تولید میشوند / تولید شدند).

**Light bulb, camera, airplane, and telephone (were invented/invented) by scientists and inventors.**

لامپ، هواپیما، و تلفن توسط دانشمندان و مخترعان (اختراع شدند / اختراع شده).

**Laptops, smart phones, and tablets (were made/made) by lots of work.**

لپ تاپ ها، گوشی های هوشمند و تبلت ها با کار زیاد (ساخته شدند / ساختند).

**But not all products (are developed/developed) by hard work.**

اما همه محصولات با سخت کوشی (تولید نمی شوند / تولید نشدند).

**Some inventions (were created/ are created) by accident or scientists' mistakes.**

برخی از اختراعات اتفاقی یا با خطای دانشمندان (درست شدند / درست میشوند).

**Penicillin, for instance, (was discovered/were discovered) quite accidentally when Alexander Fleming (was working/ was worked) on bacteria.**

مثلا، پنی سیلین کاملا اتفاقی هنگامی که الکساندر فلمینگ بر روی باکتری ها (داشت کار میکرد/ کار کرد)، (کشف شد / کشف شدند).

**Microwave oven also (was invented/invented) during a scientist's experiment on energy.**

مایکروفر نیز در طی آزمایش دانشمندان بر روی انرژی (اختراع شد/اختراع کرد).

**More interestingly, some tools and technologies (are not made/do not make) by scientists at all.**

جالب تر اینکه، تعدادی از ابزارها و تکنولوژی ها اصلا توسط دانشمندان (ساخته نشده اند/ نمی سازند).

**Some like dishwashers and computer games (were made/made) by ordinary people like workers, housewives and school students.**

تعدادی مثل ماشین ظرف شویی و بازیهای کامپیوتری توسط افراد عادی مثل کارگران، زنان خانه دار و دانش آموزان (ایجاد شدند /ایجاد شد)

**F. Pair up and talk about the things that happened in the past without mentioning the doer.**

دوبه دو شوید و در مورد چیزهایی که در گذشته اتفاق افتاد بدون اشاره به انجامدهنده آن صحبت کنید.

Example: The window was broken.

مثال: پنجره شکست.

**1- The car was stolen.**

ماشین دزدیده شد.

**2- The building was destroyed.**

ساختمان ویران شد.

**3- The games were watched.**

بازی ها دیده شد.

**4- The letters were written.**

نامه ها نوشته شدند.

**5- The cellphone was invented.**

تلفن همراه اختراع شد.

**G. Go to Part 'Grammar' of your Workbook and do A and B.**

به قسمت دستور زبان کتاب کار خود بر وید و قسمت A و B را انجام دهید.

معنی صفحه ۳۱ زبان انگلیسی دوازدهم

– See Also همچنین ببینید  
– Tag questions سوال های کوتاه

**A. Read the following example sentences.**

جملات مثالی زیر را بخوانید.

**Mina is happy, isn't she?**

مینا خوشحال است، نیست؟

**He's writing an email, isn't he?**

او یک ایمیل مینویسد، نمینویسد؟

**George wasn't hungry, was he?**

جر ج گرسنه نبود، بود؟

**The girls were weaving a carpet, weren't they?**

دخترها در حال بافتن یک فرش بودند، نبودند؟

**They are going to Hamedan, aren't they?**

آن ها به همدان میروند، نمی روند؟

**His father won't buy a new car, will he?**

پدرش یک ماشین جدید نخواهد خرید، خواهد خرید؟

**The boys have broken the window, haven't they?**

پسرها پنجره را شکسته اند، نشکسته اند؟

**Your sister has passed the exam, hasn't she?**

خواهر شما امتحانش را قبول شده است، نشده است؟

**B. Go to Part 'Grammar' of your Workbook and do C.**

به قسمت دستور زبان کتاب کار خود بروید و تمرین C را انجام دهید.

معنی صفحه ۳۲ زبان انگلیسی دوازدهم

– Listening & Speaking گوش دادن و صحبت کردن

**Speaking Strategy**

استراتژی صحبت کردن:

## Eliciting Agreement and Signaling Uncertainty

استنباط توافق و نشان دادن عدم قطعیت

### A. We use 'tag questions' for two reasons: eliciting agreement (confirming facts) and signaling uncertainty.

ما از سؤال کوتاه به دو دلیل استفاده میکنیم: استنباط توافق (تأیید حقایق) و نشان دادن عدم قطعیت.

■ Sam has not come to work. I've heard he's sick, isn't he?

سام سر کار نیامده است. شنیده‌ام که بیمار است، نیست؟

● Oh, yes. He was not well yesterday.

اوه، آره. دیروز حالش خوب نبود.

■ What's wrong with him?

و چه مشکلی دارد؟

● The doctors are checking his health condition.

دکترها در حال بررسی وضعیت سلامت او هستند.

■ It isn't something serious, is it?

چیز جدی‌ای نیست، هست؟

● I hope not.

امیدوارم نباشد

More examples: مثال‌های بیشتر:

■ He's really generous, isn't he?

او واقعاً بخشنده است، نیست؟

■ They are going to leave here, aren't they?

آن‌ها قصد دارند اینجا را ترک کنند، ندارند؟

■ This cannot be true, can it?

این نمیتواند درست باشد، میتواند؟



**B. Listen to the following conversations and answer the questions.**

به مکالمه‌های زیر گوش دهید و به سوال‌ها پاسخ دهید.

**Behzad: How's everything, Amin? You seem to be busy these days, don't you?**

بهزاد: همه چی چطوره امین؟ به نظر می‌رسد این روزها سرتان شلوغ است، اینطور نیست؟

**Amin: I'm OK Behzad. I'm working on a new project. I'm really tired.**

امین: من خوبم بهزاد. دارم روی یک پروژه جدید کار میکنم من واقعا خسته هستم.

**Behzad: But your health is really important, isn't it?**

بهزاد: اما سلامتی شما واقعاً مهم است، اینطور نیست؟

**Amin: I know. But what about work, money, responsibility, ...?**

امین: میدونم. اما در مورد کار، پول، مسئولیت و ... چطور؟

**We need to consider them all, don't we?**

ما باید همه آنها را در نظر بگیریم، اینطور نیست؟

**Behzad: Yes, but health is on top of everything.**

بهزاد: بله، اما سلامتی بالاتر از همه چیز است.

Conversation 1 – گفتگو

**Why is Amin busy these days?**

چرا امین این روزها مشغول است؟

He is working on a new project.

او در حال کار بر روی یک پروژه جدید است.

**What does Behzad think about health?**

بهزاد در مورد سلامتی چگونه فکر می‌کند؟

Health is the most important thing of all.

Pair up and ask your friends some questions that elicit agreement or confirm facts. You may use the topics in the box.

weather, future job, a place to live

گروه های دو نفره تشکیل دهید و از دوستانتان سوالاتی بپرسید که حقایق توافقی را استخراج کنید. می توانید از موضوعات داخل کادر استفاده کنید.

## Conversation 2 – گفتگو

**Roya: We are going to the gym on Friday. Will you come with us, Mina?**

رویا: جمعه میریم باشگاه. مینا با ما میای؟

**Mina: I don't think so.**

مینا: فکر نمیکنم.

**Roya: You don't like sports, do you?**

رویا: تو ورزش دوست نداری، نه؟

**Mina: Actually, I don't know. I think it depends on the type of sport.**

مینا: در واقع، من نمی دانم. به نظر من بستگی به نوع ورزش دارد.

**Roya: You Prefer team sports more, don't you?**

رویا: شما ورزش های گروهی را بیشتر ترجیح می دهید، اینطور نیست؟

**Mina: Well, it seems to be OK. But honestly, I like less active sports like chess.**

مینا: خب، به نظر خوبه. اما صادقانه بگویم، من ورزش های کمتر فعالی مانند شطرنج را دوست دارم.

**Roya: Oh, I see.**

رویا: اوه، می بینم.

**Where are they going?**

آنها کجا می روند؟

They are going to the gym.

آنها به ورزشگاه می روند.

**Why does Mina prefer chess?**

چرا مینا شطرنج را ترجیح می دهد؟

Because she likes less active

چون او فعالیت کمتری را دوست دارد

Pair up and ask your friends some questions that signal uncertainty. You may use the topics in the box.

future plans, health condition, problems

گروه های دو نفره تشکیل دهید و از دوستانتان سوالاتی بپرسید که نشان دهنده ی عدم اطمینان است. می توانید از موضوعات داخل کادر استفاده کنید.

جواب صفحه ۳۴ زبان انگلیسی دوازدهم

نوشتن Writing –

جملات مرکب Compound Sentences –

**We have learned that every sentence must have at least one subject and one verb. Such a sentence is called a simple sentence. A sentence with more than one subject, more than one verb and a connecting word such as and, or, but or so is called a compound sentence.**

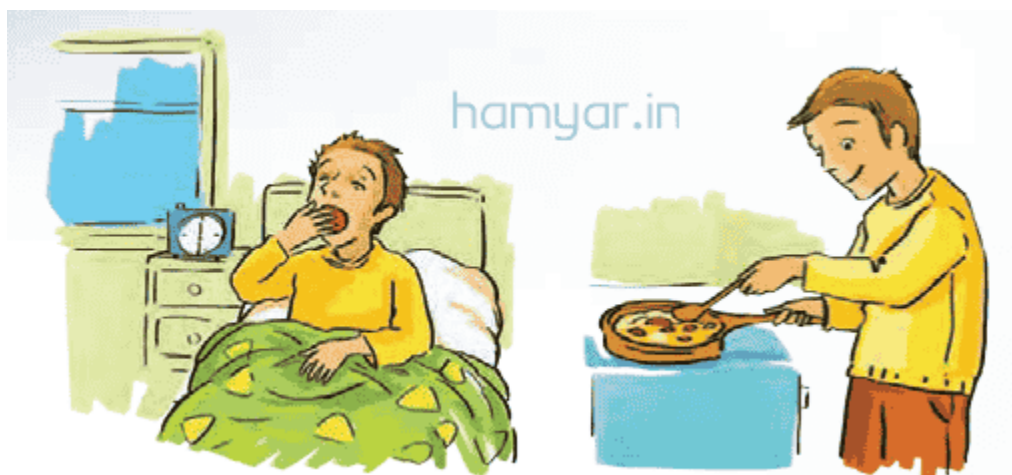
یاد گرفته ایم که هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. به چنین جمله ای جمله ساده می گویند. جمله ای که بیش از یک فاعل، بیش از یک فعل و یک کلمه پیوندی مانند و، یا، اما یا چنان داشته باشد، جمله مرکب نامیده می شود.

### 1) Addition

اضافه شدن

**‘and’ shows similar activities or feelings**

“و” فعالیت ها و احساسات مشابه را نشان می دهد



**I get up early in the morning.**

من صبح زود از خواب بیدار میشوم

**I make an omelet myself.**

من خودم املت درست میکنم

**I get up early in the morning, and I make an omelet myself.**

من صبح زود بیدار میشوم و املت درست میکنم

جواب صفحه ۳۵ زبان انگلیسی دوازدهم

### 1) Contrast

تضاد

**'but' shows a contrast or difference**

اما یک تفاوت یا تضاد را نشان میدهد



**The book was boring.**

کتاب خسته کننده بود

**Tom had to read the book.**

تام مجبور شد کتاب را تمام کند.

The book was boring, but Tom had to read it.

کتاب خسته کننده بود اما تام باید آن را می خواند.

A. Complete the following sentences with 'and' or 'but'.

جملات زیر را با and یا but کامل کنید.

- 1) We went to the park yesterday, **and** ..... we had a wonderful time.
- 2) Behnam's family went to the zoo last week, **but** ..... they did not enjoy it.
- 3) Susan has a pink dress, **but** ..... she never wears it.
- 4) Kate saw Sofia, **but** ..... she didn't speak to her.
- 5) My English class is really enjoyable, **but** ..... I have a lot of homework.

۱. ما دیروز به پارک رفتیم، و زمان خوبی را سپری کردیم.
۲. خانواده‌ی بهنام هفته‌ی پیش به باغ وحش رفتند، اما از آن لذت نبردند.
۳. سوسن یک لباس صورتی دارد، اما هرگز آن را نمی پوشد.
۴. کیت سوفیا را دید، اما با او صحبت نکرد.
۵. کلاس انگلیسی ام واقعا لذت بخش است، اما من تکالیف زیادی دارم.

جواب صفحه ۳۶ زبان انگلیسی دوازدهم

### 3) Choice

حق انتخاب

'or' shows two choices

or حق انتخاب را نشان می دهد.



**You should do your homework.**

شما باید تکالیف خود را انجام دهید.

**You should wash the dishes.**

شما باید ظرف ها را بشویید

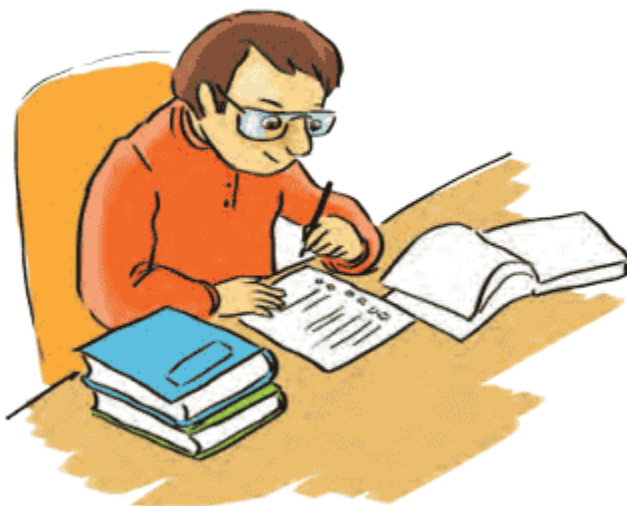
**You should do your homework, or you should wash the dishes.**

شما باید تکالیف خود را انجام دهید یا باید ظرف ها را بشویید.

**Result- (نتیجه 4)**

**'so' shows that the second sentence is the result of the first one**

So نشان دهنده این موضوع است که جمله دوم نتیجه و حاصل جمله اول است



**Saeed studied hard for the exam.**

سعید به سختی برای امتحان درس خواند.

**Saeed passed the exam.**

سعید در امتحان قبول شد

**Saeed studied hard for the exam, so he passed it.**

سعید به سختی برای امتحان درس خواند، پس در آن قبول شد.

جواب صفحه ۳۷ زبان انگلیسی دوازدهم

**B. Complete the following sentences with 'or' or 'so'.**

جملات زیر را با or یا so کامل کنید.

- 1) My mother doesn't like fast food, **so**..... she doesn't eat any.
- 2) I go out tonight, **or**..... I take a rest.
- 3) We can eat our lunch at the restaurant, **or**..... we can have it at home.
- 4) That dictionary is expensive, **so**..... I can't buy it.
- 5) This dress is not comfortable, **so**..... she rarely wears it.

**Note** نکته

**1- Use a comma before and, or, but and so when you combine two sentences.**

1: قبل از حروف ربط از کاما استفاده کنید.

**2- You can replace the repeated nouns with suitable pronouns.**

2: شما می توانید به جای اسامی تکراری از ضمیر مربوطه استفاده کنید.

جواب صفحه ۳۸ زبان انگلیسی دوازدهم

**C. Combine the two sentences with 'and', 'but', 'or' or 'so'.**

هر جفت از جملات زیر را بایکی از کلمات and , but , or یا so تکمیل کنید

**1. Joseph is very busy today. He cannot watch TV.**

Joseph is very busy today , so He can not watch TV.

**2. My brother has a lot of books. He never reads them.**

My brother has a lot of books , but He never reads them .

**3. We should do a lot of homework. We don't have enough time.**

We should do a lot of homework , but We don't have enough time

**4. Sepideh likes spaghetti. Her grandmother hates spaghetti.**

Sepeideh likes spaghetti , but Her grandmother hates it.

**5. You can buy this coat. You can buy those shoes.**

You can buy this coat, or those shoes.

You can buy this coat, and you can buy those shoes.

**D. Complete the sentences.**

جملات را کامل کنید.

**1. I like learning Chinese, but ..... .**

but I haven't enough time to learn it

من دوست دارم زبان چینی یاد بگیرم، اما زمان کافی برای یادگیری آن ندارم

**2. These shoes are not comfortable, so ..... .**

I don't put them on

این کفش ها راحت نیستند، بنابراین من آنها را نمی پوشم

**3. You must study well, and ..... .**

pass the exam

تو باید خوب درس بخوانی و امتحان را قبول شوی.

**4. I like swimming, but ..... .**

I don't have enough time to go swimming

من شنا را دوست دارم، اما وقت کافی برای شنا رفتن ندارم.

**5. You can install a mobile dictionary, or ..... .**

buy a paper one.

می توانید یک دیکشنری موبایل نصب کنید یا یک دیکشنری کاغذی بخرید.



**E. Write five real compound sentences about yourself, your family or friends.**

پنج جمله ترکیبی واقعی در مورد خودتان، خانواده یا دوستان بنویسید.

1. My father watches the news on TV a lot , but I watch movies a lot.

2. My sister is hard working , but I'm a bit lazy

3. My mother is a good cook , so I eat lots of delicious food.

4. I get up early in the morning , and I do exercise.

5. My brother plays computer games , or he surfs the Net.

1. My father watches the news on TV a lot, but I watch movies a lot.

2. My sister is hard working, but I'm a bit lazy.

3. My mother is a good cook, so I eat lots of delicious food.

4. I get up early in the morning, and I do exercise.

5. My brother plays computer games, or he surfs the Net.

**F. Go back to the Reading. Find three simple and three compound sentences.**

**Underline the subjects and circle the verbs.**

به قسمت خواندن برگردید. سه نمونه از جمله ساده و سه نمونه از جمله مرکب پیدا کنید. زیر فاعل‌ها خط بکشید و دور فعل‌ها دایره بکشید.

مفهوم رنگ : فعل | فاعل

1- My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon.

2- A little later, the mother went to her room and came back with an old diary.

3- Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page.

1- On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house.

2- The mother asked her son quietly.

3- Suddenly a pigeon sat on the window.

What You Learned – آنچه شما یاد گرفتید

**A. Listen to the first part of an interview.**

به اولین قسمت مصاحبه گوش دهید.

**مصاحبه :**

Dr. Asadi is answering this important question: “why is it important to care for our elders?” I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to give, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They’ve come so far and they’ve learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they’ve faced in life but they’ve definitely gained experience that is worth respecting and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don’t want us to feel the pain, the least we can do is appreciate them for all they’ve gone through and learn from their insight into situations.

**1. Answer the following questions based on what you just heard.**

بر اساس آنچه که گوش کردید به سوالات زیر پاسخ دهید.

**a. Why is knowing about the experience of our parents important?**

چرا دانستن تجارب والدینمان مهم است؟

We can learn from their experience.

**b. Why are our parents our first teachers?**

چرا والدینمان اولین معلمان ما هستند؟

They teach how to love, how to care, how to give, how to forgive, and how to accept.

**2. Listen again and write down three important points mentioned.**

مجدد گوش کنید و سه نکته‌ی مهم ذکر شده را یادداشت کنید.

a. Our parents are our first teachers.

b. We have to learn from their wisdom.

c. We have to respect our parents.

---

**B. Now read the rest.**

اکنون ادامه را بخوانید.

**Yet another important thing is our heritage and culture.**

با این حال نکته ی مهم دیگر ارث و فرهنگمان است.

**We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past.**

چیزهای زیادی داریم که از والدینمان در رابطه با ارثمان یاد بگیریم تا به گذشته‌مان افتخار کنیم

**This heritage and history brings a sense of belonging.**

این میراث و تاریخ حس تعلق را به ارمغان می آورد.

**Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations.**

مهمتر از همه، این حس هویت گذشته و مسئولیت محافظت از آن برای نسل های آینده را برای ما به ارمغان می آورد.

**What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives.**

آنچه در پایان می توانم اضافه کنم، نقش اخلاق، ارزش ها و اصول والدین ما در زندگی ما است.

**Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives.**

بزرگان ما یا آموخته اند، خلق کرده اند یا با مجموعه ای از اخلاق، ارزش ها و اصول در زندگی خود تربیت شده اند.

**Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopefully, peaceful.**

بزرگان ما بهترین ها را برای ما می خواهند و مایلند به ما بگویند که چه مجموعه ای از قوانین و دستورالعمل ها باعث موفقیت و امیدواری آنها شده است.

فرهنگ میراث  
Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn  
اعتبار  
میراث  
تاریخ  
نسب  
حس  
تعلق  
مسئولیت  
مما حفظت  
ارزشها  
افلاقیات  
اصول  
What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles  
فواہ  
in our lives. Our elders have either learned, created or **have been brought up** with  
مایل  
قوانین  
a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for  
آرام و صلح آمیز  
امیدوارانه  
us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them  
مایل

**3. Underline all 'passive tenses'. Make three questions about the important points.**

**Then answer them.**

زیر همه جملات مجهول خط بکشید. سه پرسش در مورد نکات مهم بسازید. سپس به آنها پاسخ دهید.

در بالا با رنگ سبز مشخص شده است

**C. Work in pairs. Ask and answer.**

دو نفره تمرین کنید. بپرسید و پاسخ دهید.

**– How can we learn from our parents in our lives?**

چگونه ما می توانیم از زندگی والدینمان بیاموزیم؟

Why is our heritage important? It brings a sense of belonging.

**– How important is it to protect our culture for our next generation?**

محافظت از فرهنگمان چقدر برای نسل آیندهمان مهم است؟

What should we do about our culture and heritage? We have to protect them for our future generations.

**– Why are our parents our blessing?**

چرا والدین ما نعمت هستند؟

What do our parents do for us? They are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful.